

سهره برشاخه‌ی بید

(مجموعه غزل)

سراپنده:

مصطفی خلیلی فر

www.ketab.ir

سرشناسه: خلیلی فر، مصطفی
عنوان و نام پدیدآور: سهره بر شاخه بید (مجموعه غزل)/سراینده مصطفی خلیلی فر.
مشخصات نشر: تهران : هزاره ققنوس، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری: ۱۶۰ ص.
شابک: 978-600-286-387-4
وضعیت فهرست نویسی: فیا
موضوع: شعر فارسی-- قرن ۱۴
Persian poetry -- 20th century
رده بندی کنگره: PIR۸۰۲۰
رده بندی دیوبی: ۶۲/۸۹۱
شماره کتابشناسی ملی: ۸۵۵۶۰۵۲
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیا

سهره بر شاخه ی بید



شاعر: مصطفی خلیلی فر

ناشر: هزاره ققنوس

نوبت چاپ: اول ۱۴۰۰

طرح جلد: سید ایمان نوری نجفی

صفحه آرای: آتلیه انتشارات هزاره ققنوس

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۸۶-۳۸۷-۴

لیتوگرافی و چاپ: مهرگان

شمارگان: ۲۲۰

بها: ۵۵,۰۰۰ تومان

نشانی: تهران خیابان انقلاب - خیابان رامسر - پلاک ۱ واحد ۵ تلفن ۸۸۳۱۷۸۳۲

حق چاپ: ۱۴۰۰، انتشارات هزاره ققنوس www.nashrehzare.ir

فهرست

- ۹..... من نیز آمدم؛ گل و سوغاتی‌ام: غزل
- ۱۰..... چه احساس خوشی با عشق می‌آید...!
- ۱۲..... پیمانه ناز تو نشاط آور و نوشین
- ۱۴..... نیامدی و دلم در هوای زلف تو گم شد
- ۱۷..... آه لیلا جان! تو را هم دوست می‌دارم، ولیکن
- ۱۹..... به چشمانت بگو این مستی و دیوانگی تا کی...؟!.....
- ۲۱..... دلبری هایت مرا دیوانه کرده، می‌بیار...!
- ۲۳..... ناگاه شبی آن ماه، رقصان شد و گفتم: آ...ه...!
- ۲۶..... محبوبه شب بودی و... شب، بوی تو آمد...
- ۲۸..... دل، خوش نکن بر تق تق و، تکرار یک نت...!
- ۳۰..... من هیچم و او هرچیز... جز هیچ ندارم نیز
- ۳۲..... ای دل دیوانه‌ی من! سوختی و ساختی
- ۳۴..... ساحل زاینده رود، بوی خدا می‌دهد...

- ۳۶ زلالی نفست را، ترانه کردم و خواندم
 ۳۷ خواستم گلبوسه ای از باغ لب هایت بچینم
 ۳۹ کاش چون آینه با من یک نفر رو راست بود...!
 ۴۱ سرو سه هفت ساله میدان چار شیرا!
 ۴۳ نگاه می کنی و، آه می کشد دل من
 ۴۵ با گل اندیشه ات خورشید باش...!
 ۴۸ کاش باز آبی و با خود، شادی و شبنم بیاری...!
 ۵۰ رفیق خوب در این روزگار، کمیاب است
 ۵۲ چه آبی است و چه بالنده... آفتاب حضورش!
 ۵۴ پیمانه نگاهش، ناز و کرشمه می ریخت...
 ۵۵ آسمان، بی کموتر افتاده ست...
 ۵۷ هوا بوی باران باید دارد...
 ۵۹ غزل در نگاهت، دو گاهی دست ملکش
 ۶۱ در غزل، توشه ای از عشق فراهم کردیم...
 ۶۴ در باغ سینه ام گل رویا نشسته است...
 ۶۶ تصویر روزگارند، گل های کاغذی...
 ۶۸ شب است و شعله عشقی، که من چه گویم از آن؟
 ۷۰ ای دل دریا نشان! دیوانگی هایت چه شد؟
 ۷۲ زیر باران محبت، حال کردم، شعر گفتم...
 ۷۳ کجا رفت دوران اسب و تفنگ؟
 ۷۵ نوشیده ام هر شب سمرقند نگاهش را...
 ۷۷ شعر و شراب حافظ شیراز را بیار!
 ۷۹ شراب و نقل بیاور برای این شاعر...!
 ۸۱ غروب غربت و... فصل غریب تنهایی ست
 ۸۳ گل بهار ندیده، شکفتنی هم نیست
 ۸۴ تو شاه دختران بویراحمدی...!
 ۸۵ خورشید بود و، بارشی از نور...

- ۸۷ یک سیب سرخ آورد، یک سیب آنچنانی.....
- ۸۹ دیروز اشاراتِ نظر بود و، گلِ سرخ.....
- ۹۱ با یادِ لیلی، بیدِ مجنون داشتم، آ...ه!.....
- ۹۳ صدایِ بالِ کبوتر، فرودِ خوش فرمی ست.....
- ۹۵ شعرهایم، برگِ سبزِ دوستی.....
- ۹۷ ای صدای تو سبکبال تر از روحِ نسیم!.....
- ۹۹ دلم آسمانِ رنگ و دریایی است.....
- ۱۰۰ بوفِ کوری ست در اندیشهٔ آن سگ.....
- ۱۰۳ نگو سهره بر شاخهٔ بید نیست!.....
- ۱۰۵ در کوچه باغِ ماهور، شبنم به شاپرک گفت:.....
- ۱۰۶ اما نیرس از دلِ غرمتِ نصیب من!.....
- ۱۰۷ خوب است گلِ روی تو را بگویم امشب!.....
- ۱۰۹ دوست باید خالی از نامردی و شیرینک باشد!.....
- ۱۱۱ شروه ای خواندند و، ذوقم دست بر سر زد.....
- ۱۱۳ شکرِ خدا که نیم شبی - با دو قطره اشک -.....
- ۱۱۵ غزل را که موجِ نگاهِ دلِ عاشقان بود.....
- ۱۱۶ عاشقان! نور در پیاله کنید!.....
- ۱۱۷ چه نغمه‌ها که به چنگِ سکوتِ پرپر شد.....
- ۱۱۹ خشک یعنی قحطیِ بارانِ مهر.....
- ۱۲۰ در چشمِ خدا - دست به دست - آمده خورشید.....
- ۱۲۱ آتش زدی بر دودمانِ مردمِ عاشق.....
- ۱۲۲ می در نگاه داری و، چشمِ تو شیر!.....
- ۱۲۴ نینوایی - نم نمک - روید و بغضی ریشه بست.....
- ۱۲۶ پا را خدا برای نرفتن نیافرید.....
- ۱۲۷ نوشیدم از دو چشمِ سیاهت، دو جرعه نور.....
- ۱۲۸ غزل‌ها می‌سرودم چشم‌ها و گیسوانت را.....
- ۱۲۹ ای نازنین که باغِ نگاهت گل است!.....